دیدگاه

«کوررنگی» در نقد جاه‌طلبی

سیاوش پاکراه . نویسنده و کارگردان

● «کوررنگی» از نامش آغاز می‌شود؛ بیماری‌ای که بخشی از واقعیت را پنهان می‌کند، همچنان‌که نام اثر در پوستر و بروشور در میان اعداد و رنگ سعی در پنهان‌کردن عمدی خود می‌کند، انگار که می‌خواهد خود را پشت چیزی که پیش تو می‌گذارد، مخفی کند. این راهی است که اثر هم مفاهیم خود را بر آن استوار کرده است. آنچه می‌بینیم یا تصور می‌کنیم، به تمامی آن نیست که وجود دارد یا به سخنی دیگر واقعیتی که بر ما می‌گذرد، تنها سایه‌ای از حقیقت است که دیگران برای ما نگاشته‌اند، دوام منظر و آغاز خود را بر اساس یک موقعیت بنا می‌گذارد. دو فرد (یکی مرد و دیگری زن) هرکدام در اتاقکی بسیار کوچک محدود شده‌اند. مشکل اولیه دیدار دو محبوس را به ذهن تداعی می‌کند و در همان ابتدا تعلیقی را برای چرایی این حبس و تصور چگونگی رهایی آنها به وجود می‌آورد. در همان آغاز، داده‌های متن شروع می‌شود. هر دو فرد، چه زن که ظاهرا همین امروز در اتاقک محبوس شده است و چه مرد که شکل و نوع بازی و کلام آن از زمانی طولانی برای حبس حکایت می‌کند به‌عنوان محبوسان امنیتی که علیه سیستم و نظم حاکم عمل کرده‌اند به چشم می‌آیند با این تفاوت بنیادین که مرد حافظه خود را از دست داده است و آن را منوط به پخش گازی می‌کند که از طریق سیستمی هوشمند با اندازه‌گیری ترس فرد محبوس، شروع به پخش‌شدن می‌کند و نتیجه آن، بیرون‌کشیدن اطلاعاتی است که علت ترس محبوس است و به‌جای آن فراموشی را جایگزین می‌کند. یکی از عوامل بازدارنده درام، عدم اعتماد بین دو فرد است که سعی شده آن را به تمامی اجتماع سیطره دهد؛ به‌نوعی که لاجرم تماشاگر آگاه را به یاد رمان ۱۹۸۴ جرج اورول می‌اندازد که برای عبور از این مانع درام دست به پیچش‌کاری‌ها و خرده‌داستان‌هایی در مسیر رود اصلی اثر می‌زند. آنها تصمیم می‌گیرند بر اساس پیشنهاد مرد، الگوی به‌یادآوری را تغییر دهند تا سیستم با پخش گاز یا چیزی مواجه شود که برای آن غریبه است. این نقطه اوج یا کلایمکس درام تلقی می‌شود. بعد از ثبت الگوی جدید، مواجهه دو بازیگر رخ می‌دهد. صحنه به طرز شعبده‌واری تغییر می‌کند و باعث رودررویی و پرده‌برداری از درام می‌شود. این مرد آخرین امید سیستم است برای کشف؛ او بازجویی یا گرگی در لباس میش بوده است، ولی از طرف دیگر، زن نیز با تقلب در الگوی جدید، مرد را فریب داده است. حال روی دیگری از هر دو پرسوناژ نمایشی رخ می‌دهد. زنی که در قالب یک آزادی‌خواه خود را نمایان می‌کرد، در برهه جدید متن، رسیدن به هدف را با هر وسیله‌ای توجیه می‌کند به نام هدف، دست به جنایت زده است. قربانی و فریب را ابزار خود قرار داده و اکنون موجودی زیرک و یخ‌زده است و مرد که می‌فهمد سیستم برای فرار از نابودی راهی ندارد، موفقیت فردی خود را در حیات سیستمی جدید و همزیستی و خدمت به زن می‌یابد. پس هر دو معامله‌ای را برای رسیدن به نظمی جدید پی می‌گیرند؛ نظمی که تنها در ظاهر کمی متفاوت با آنچه وجود داشته است، خواهد بود و اجتماع همچنان با کوررنگی جدید دست‌به‌گریبان می‌شود. صحنه شعبده خود را در ارج‌گاه درام عیان می‌کند؛ بر اساس این مفهوم که هرآنچه تاکنون دیده و باور کرده‌اید، دروغی بیش نبوده است. اتاقک‌ها ناگهان به‌عنوان سازه‌ای عمل می‌کنند که ایجاد پلی برای دو بازیگر باشد. آنچه تاکنون در نگاه‌داشتن بود، اکنون در ایجاد ارتباط است. بازیگران اثر بر اساس فضای کوچک و بسته و لحاظ‌کردن فریم، بازی خود را نگاشته‌اند. بازی‌ها در هر دو سمت رو به سوی باورپذیری و میکرو اکت‌ها (توجه به جزئیات) میل کرده است. نمایش «کوررنگی» اثری است برای امروز که فردایی عجیب را به ما گوشزد می‌کند. شاید به‌جای فرار از کوررنگی، باید با کوررنگی رودررو شویم.

امسال ۱۷ نمایش خارجی در جشنواره تئاتر فجر حضور دارند

خوش‌یمنی تهران

گروه هنر: هلند، آلمان، ایتالیا، ترکیه، فرانسه، بلژیک، سوئیس، جمهوری‌آذربایجان، گرجستان و برزیل از جمله کشورهایی هستند که با آثاری در جشنواره سی‌وششم تئاتر فجر حضور می‌یابند و تأکید بر بین‌المللی بودن این جشنواره خواهند کرد، چون در این وضعیت خاص سیاسی و اعمال تحریم‌های بیگانگان همچنان این حضورها برای روابط بین‌الملل ما نشان خوش‌یمنی است. اینستالیشن، پرفورمنس، تئاتر فیزیکال، چندرسانه‌ای (مولتی‌مدیا) و حرکت و رقص (کورئوکرافی) از جمله ساختارهایی است که باید در این نمایش‌ها سراغ گرفت که در این سال‌ها بیشتر از نمایش‌های صحنه‌ای در بخش بین‌الملل تئاتر فجر حضور می‌یابند.

هملت

«هملت» ویلیام شکسپیر به کارگردانی کریستوفر روپینگ، هنرمند آلمانی، اجرا می‌شود. روپینگ در این اثر تفسیر خود را از «هملت» ارائه می‌دهد که در اینجا جوانی با تفکرات رادیکال است که علیه پوچی جهان سر به طغیان برمی‌دارد. کریستوفر روپینگ، در سال ۱۹۸۵ در هانوفر متولد شده و در آکادمی تئاتر هامبورگ تحصیل کرده است. او از سال ۲۰۱۶ در مرکز مونشنر به‌عنوان کارگردان فعالیت داشته است. اولین آثار او در هامبورگ شکل گرفته‌اند. روپینگ در این شهر نمایش‌های «فیلوکت»، «جکیل و هاید» و «هس» را روی صحنه برد. این هنرمند پس از اتمام تحصیلاتش در سال ۲۰۱۱ با نمایش «گتسبی بزرگ» نوشته اسکات فیتزجرالد در جشنواره رادیکال «فولک‌تئاتر» فرانکفورت شرکت کرد. در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، کریستوفر روپینگ دو بار در نظرسنجی منتقدان آلمان به‌عنوان هنرمند برگزیده جوان معرفی شده است.

دوستت دارم ترکیه

«دوستت دارم ترکیه» هم عنوان نمایشی از ترکیه به کارگردانی یلدا بسکین است که پیش از این در فستیوال تئاتر استانبول در سال ۲۰۱۷ حضور داشته. داستان این نمایش در رختشوی‌خانه‌ای در ترکیه می‌گذرد که پنج نفر در آن هستند. این پنج نفر به دنبال یافتن مکان و دلیلی برای وجود خود در شرایط متغیر کشور هستند. زمانی را که آنها در رختشوی‌خانه می‌گذرانند با سرگردانی میان مرزهای استقامت همراه است. آنها که نمی‌توانند زبان بیان خود را پیدا کنند، حتی آنها که از آن رد شده و سعی می‌کنند دستور کار خود را خلق کنند، جایی را که در آن پنهان شده‌اند ترک می‌کنند. تئاتر شهرداری «باکرکوی»، با نمایش «دوستت دارم ترکیه» درحالی‌که دنبال گفتن داستان‌های واقعی است، به طرح سؤالاتی برای صحنه تئاتر هم می‌پردازد. همین‌طور یک زیبایی‌شناسی صحنه‌ای امروزی ایجاد می‌کند تا از این طریق بخشی از تلاشش را به نمایش بگذارد.

رختشویخانه مفاخر

نمایش «رختشویخانه مفاخر» از جاسم هندی، تازه‌ترین تجربه این هنرمند است که در سال ۲۰۱۷ در برلین به نمایش درآمده است. نمایش «رختشویخانه مفاخر» برگرفته از شعری درباره مرگ ظهورالملک، شاعر زن عرب، است که در قالب اجرای چندرسانه‌ای به نمایش درمی‌آید. داستان نمایش در یک رختشویخانه عمومی بین‌راهی در استانبول ترکیه روایت می‌شود که پنج نفر برای شستن لباس‌های کثیفشان در آنجا به هم می‌پیوندند. سرن ارجان، نویسنده این نمایش است. جاسم هندی در عربستان سعودی متولد شده و در دانشگاه سوربن پاریس فلسفه خوانده است. او در اجراهایی که در سطح بین‌المللی دنبال می‌کند، با استفاده از تکنیک‌های ترکیبی چندرسانه‌ای بر بدن و بیان در نمایش‌هایش تمرکز دارد. همچنین بخشی از فعالیت‌های هنری او بر موسیقی و صدا متمرکز است و تجربه‌هایی از این دست را در شهرهای مختلف جهان مانند هامبورگ، نیویورک، اسلو، برلین، هلسینکی، دوبلین و سانفرانسیسکو به نمایش گذاشته است. او همچنین به‌عنوان یک طراح صدا، در سال گذشته میلادی با هنرمندان شناخته‌شده‌ای مانند «اولیویه دی پلاسیدو»، «ماگدا مایا»، «تونی باک» و «یاکوب ریس» همکاری کرده است.

پکیج

نمایش «پکیج» یک تئاتر فیزیکال از شوساکو تاکئوچی، طراح ژاپنی است که زندگی روزمره کارمندان، ساعت‌های بی‌انتهای نشستن پشت میز و خواندن ستون‌های روزنامه‌ها توسط آنها را به تصویر می‌کشد. «پکیج» که عنوانی استعاری هم هست، درباره افرادی حرف می‌زند که زندگی خود را در انجام‌وظیفه در یک سیستم تعریف می‌کنند. انگار با قوانین بسیار قدرتمندی برنامه‌ریزی شده‌اند و قادر به اتخاذ شیوه‌ای غیر از آنچه توسط این قوانین به تصویب رسیده، نیستند. همان‌طور که از نوشته‌های فرانتس کافکا می‌دانیم، همه اینها در یک محیط اداری، نمادی از رؤیا و رؤیاهای غیرفعال است. اما وقتی یکی از حلقه‌ها در زنجیره کلیشه‌ای اداری از جا درمی‌آید، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ «پکیج» شوساکو تاکئوچی اثری از گروه «هیستوریوم» از هلند است. این نمایش اولین‌بار در سال ۱۹۹۳ اجرا شده است. نمایش «پکیج» از طرف وزارت فرهنگ جمهوری چک و شهر پراگ پشتیبانی می‌شود.

مناظر مجرم

نمایش «مناظر مجرم» اثر دریز ورهوفن کارگردان تئاتر هلندی است که در زمینه اینستالیشن و پرفورمنس نیز فعالیت دارد. او در اجراهایش که اغلب در موزه‌ها و گالری‌ها یا دیگر فضاهای عمومی شهرها شکل می‌گیرند، روابط بین مخاطب و هنرمند، یا در حقیقت ارتباط واقعیت روزمره و هنر را دنبال می‌کند. در اجراهای او تماشاگر مستقیما در اثر دخالت دارد. ورهوفن در کارهایش، واقعیت اجتماعی روزمره را برجسته می‌کند. در اجراهای او که عمدتا مبتنی بر حرکت است، نظم عمومی زندگی روزمره تأثیر بسزایی دارد. در سال‌های اخیر، تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر روابط بین‌فردی به‌طور خاص، مبنای پروژه‌های او را شکل داده است. ورهوفن در اجراهای اولیه‌اش طیف‌های مختلفی از شهروندان را مشارکت داده است. از جمله اینها نمایش «دست خالی» (۲۰۱۰) با مشارکت کودکان و سالمندان، نمایش «اتاق تاریک» (۲۰۱۱) با مشارکت نابینایان، نمایش «زمین بدون انسان» (۲۰۰۸) با مشارکت پناهندگان و مهاجران را می‌توان نام برد. فضا در آثار ورهوفن اهمیتی اساسی دارد. فعالیت هنری او از سال ۲۰۱۲ بیشتر به سمت هنر بصری گرایش پیدا کرده است.

شرتولوژی

نمایش «شرتولوژی» اثر ژروم بل از فرانسه یکی از آخرین اجراهایش را در موزه تیت مدرن لندن پشت سر گذاشته است. این اجرا روشی جدید و آزمایشی در ارتباط بین هنرمند و مخاطب را دنبال می‌کند. این نمایش اولین اثر بل است که از نمایش آنلاین تصویر بهره می‌برد. در این اجرا شاهد مونولوگی از شعارهای تبلیغاتی همراه با رقص بدون آواز هستیم که بر فرهنگ مصرف‌گرایی متمرکز است. پرفورمر در این اجرا به‌طور متناوب پیراهن‌هایی را که علائم تجاری و نشان‌های تبلیغاتی آشنا روی آنها نقش بسته‌اند، بر تن می‌کند. شعارهای تبلیغاتی به سرعت و هم‌زمان با تعویض پیراهن‌ها به نشانه اعتماد شهروندان به مناسبات جامعه معاصر جایگزین یکدیگر می‌شوند اما هنرمند در این اثر سعی دارد مواجهه مخاطب با پیچیدگی‌های رفتاری شهروندان را هم مورد پرسش قرار دهد. نمایش «شرتولوژی» اولین بار در سال ۱۹۹۷ اجرا شده اما از آن پس با تغییراتی عمده در سالن‌های نمایش و موزه‌هایی در سراسر جهان کار خود را دنبال کرده است. یکی از آخرین اجراهای این نمایش در رخداد دوروزه‌ای در موزه تیت مدرن لندن صورت گرفت که با رویکرد تلفیق رقص معاصر و هنر اجرا در ماه می ۲۰۱۵ برگزار شد.

ریموت تهران

اشتفان کائگی و یورگ کارنبوئر هم مشترکا با نمایش «ریموت تهران» در این جشنواره حضور دارند. اشتفان کائگی نمایش‌نامه‌نویس آلمانی است که در حوزه نمایش‌های رادیویی و اجراهای شهری فعال است. در آثار او بازخوردهای عمومی و فرایندهای مفهومی به شهروندان اجازه می‌دهد صدایی برای بیان دغدغه‌هایشان پیدا کنند. کائگی در سال ۲۰۰۵، جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره Politik im Freien Theatre را برای نمایش «Mnemopark» و در سال ۲۰۱۰ جایزه اروپایی برای تنوع فرهنگی را به دست آورد. او همچنین در سال ۲۰۱۱ جایزه هیئت داوران جشنواره تئاتر سارایوو را برای این نمایش کسب کرده است. این هنرمند در بخشی دیگر از فعالیت‌هایش در همکاری با هلگار هیو و دانیل ایتزل پروژه‌های نمایشی را شکل می‌دهد که با عنوان «پروتکل ریمینی» شناخته می‌شوند. هدف از این پروژه‌ها ازمیان‌برداشتن ادراک‌های معمول از واقعیت در هنر نمایش عنوان شده است. اعضای این گروه در یکی از تجربه‌های «پروتکل ریمینی» یک جلسه پارلمان آلمان را با مشارکت ۲۰۰ شهروند آلمانی بازتولید کردند. در سال ۲۰۰۷ جایزه تئاتر فاوست به گروه «پروتکل ریمینی» اهدا شد. همچنین این گروه در سال ۲۰۰۸، جایزه اروپایی «واقعیت‌های جدید در تئاتر» و در سال ۲۰۱۱ میلادی نشان نقره دوسالانه تئاتر ونیز را دریافت کردند.

مرگ قطعی است

اوا میرکلر، دیگر هنرمند آلمانی، با «مرگ قطعی است» حضور دارد و این پرفورمنسی است که مفهوم مرگ را در قالبی تهی از تراژدی یا رویکرد ملودرام به میان می‌کشد. هنرمند در این اجرا سعی دارد فضایی بی‌طرفانه را در مواجهه با موقعیتی که به‌خودی‌خود می‌تواند بسیار خشونت‌آمیز به نظر آید، اتخاذ کند. گویی همه این خشونت‌هایی که در سلاخی‌کردن چیزها می‌بینیم، در یک محیط آزمایشگاهی و به‌سادگی یک آزمایش علمی است که رخ می‌دهد. «مرگ قطعی است» حتی اعتنایی به واکنش‌های تماشاگرانش هم نشان نمی‌دهد و نیازی به برانگیختن همدلی مخاطب با اجرا ندارد. مفهوم محوری در اینجا عادی‌شدن خشونت است و اینکه همه ما متقاعد به عادی‌بودن آن شده‌ایم. در این نمایش که سال گذشته میلادی در تولوز فرانسه هم اجرا شده، تفاوت‌های عاطفی، حسی و بصری روبه‌روی هم قرار می‌گیرند و در قالب استعاره‌ای از خشونت‌های فیزیکی، حساسیت‌های عاطفی انسان را مورد پرسش قرار می‌دهند.

ملانکولی

نمایش «ملانکولی»، به کارگردانی فیلیپ کن از فرانسه، داستان گروهی است که تصمیم می‌گیرند در یک منطقه دور از تمدن شهری، مکانی تفریحی برپا کنند. در نوشته‌های منتقدان درباره نمایش «ملانکولی»، این اثر به‌عنوان شعری زنده و سرشار از غافلگیری‌های بصری، همچنین بیان تأثیرگذاری از لذت‌های خالص و صادقانه انسان توصیف شده است. فیلیپ کن این نمایش را در همکاری با فیلیپ کوزان، هنرمند عرصه تجسمی و طراح گرافیک شکل داده است. کوزان پیش‌ازاین و در سال ۲۰۰۳ استودیو ویواریوم را تأسیس کرد که مجالی برای آزمایش‌های تجربی او بوده و با همراهی گروهی از هنرمندان تئاتر، نقاشی، رقص و موسیقی به تولیدات مشترکی منجر شده است. کوزان درحال‌حاضر مدیر هنری تئاتر Nanterre Amandiers در پاریس است.

شهرهای نامرئی

نمایش «شهرهای نامرئی» به کارگردانی پینو دی بودوا هنرمند ایتالیایی است. «شهرهای نامرئی» اقتباسی است از رمانی با همین نام از نویسنده معاصر ایتالیایی، ایتالو کالوینو که به ارتباط میان شهر و انسان می‌پردازد. این پروژه، شهر را صحنه خود قرار می‌دهد و به نسبت فضای شهری، سناریوی خود را برای رویارویی با شخصیت زنده شهر طراحی می‌کند. تهرانِ امروز ما شهری است که امکانات بالقوه‌ای برای این نوع مواجهه فراهم می‌کند و تحرک، پویایی و متابولیسم زنده شهری تهران، آن را به بستری فوق‌العاده مناسب برای این پروژه عظیم تبدیل می‌کند. این پروژه که از سال ۱۹۹۱ در شهرهای بزرگ دنیا مثل لندن، پاریس، رم و بوداپست اجرا داشته است، به دعوت بخش بین‌الملل جشنواره تئاتر و با همکاری سفارت ایتالیا در ایران و بخش خارج از صحنه جشنواره به تهران می‌آید. تابستان سال گذشته پینو دی بودوا با نمایش «بیست‌هزار فرسنگ زیر دریا» در تماشاخانه باران روی صحنه رفت.

تنهایی پرهیاهو

افشین غفاریان که در سال ۱۳۹۲ نمایش «تنهایی پرهیاهو» را به روی صحنه برده بود، با همین نمایش در بخش بین‌الملل حضور دارد. او در سال ۱۳۸۹، کمپانی رفورمانس را در فرانسه بنا نهاد؛ پژوهشی در رقص و تئاتر و شیوه‌های بیان فراموش‌شده در آن‌که شامل حافظه بدن و چگونگی انتقال آن در رقص و تئاتر است. او در پاریس، نمایش «فریاد» را روی صحنه برد که با استقبال تماشاگران روبه‌رو شد. او از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ با اجراهای متفاوتی در چندین فستیوال رقص در فرانسه شرکت کرده و با هنرمندانی همچون آندی دوگرت و توماس لبرن به‌عنوان رقصنده-بازیگر همکاری کرده است. غفاریان همچنین مدتی در کارگاه‌های آموزشی زیر نظر یوجینیو باربا و مردیت مونک آموزش دیده است. او پس از هفت سال دوری از فعالیت در ایران، در سال ۱۳۹۵ در نمایش «مستأجر» به‌عنوان بازیگر شرکت کرد؛ نمایشی که به‌مدت یک ماه در تالار حافظ روی صحنه رفت.

شگ

نمایش «شگ»، اثر لوسی ایدنبنز از طریق اجرایی متمرکز بر حرکت و رقص در حقیقت مطالعه‌ای انسان‌شناختی در پاسخ به یک ضرورت، یعنی خودشناسی انسان معاصر است و می‌خواهد به پرسش‌هایی این‌چنین پاسخ بگوید: آیا ما در موقعیتی غافلگیرکننده در جهان معاصر قرار گرفته‌ایم؟ انسان بیگانه کیست؟ یکی که پشت آن دیگری پنهان است؟ آیا بازگشت به ارزش‌ها و تفاوت‌ها راه چاره است؟ نمایش «شگ» طنز گزنده‌ای از سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در سوئیس را به نمایش می‌گذارد و طبیعت وحشی و غریزی نوع انسان را به تعمق فرامی‌خواند. این نمایش از سوی منتقدان اثری هوشمندانه، شگفت‌انگیز و لذت‌بخش توصیف شده است. همچنین نمایش‌هایی دیگر هم هستند که امکان دارد طبق همان قرار قبلی در جشنواره امسال حضور داشته باشند؛ این نمایش‌ها به نام «دهان گنده» از بلژیک، «سفر به یک فلات چین‌خورده» از چین، «گردهمایی والدین» از گرجستان، «سرداب» از عراق و «منزل به منزل» از کشور فرانسه خواهند بود.

زیر آسمان فیروزه‌ای

داوری مطبوع و پررنج است

فرح اصولی
داورسومین دوره ورسوس

● گروه هنر: جمعه، ۱۵دی‌ماه، سومین نمایشگاه ورسوس در خانه هنرمندان افتتاح شد. این رقابت تنها شامل حال هنرمندان جوان زیر۳۵ سال می‌شود. دبیرخانه ورسوس اعلام کرد که هنرمندان زیر ۳۰ سال تا پایان آبان‌ماه آثارشان را ارسال کنند، اما به دلیل درخواست گسترده هنرمندان جوان، محدوده سنی فراخوان از ۳۰ به ۳۵ سال افزایش یافت. فرح اصولی یکی از داوران این دوره برگزاری نمایشگاه بود که تجربیات او را از دیدن آثار ورسوس می‌خوانید.

با توجه به زیادبودن جمعیت جوان در کشور ما و رویکردی که آنها به هنر دارند، لازم بود بخش‌هایی از صنعت و تجارت به عرصه هنر ورود کنند و امکاناتی فراهم شود که کارهای این جوانان دیده شود. تعداد آرتیست‌های جوان ما بسیار زیاد است و همه نوع هنرمند خوب و غیرخوب هم در آنها دیده می‌شود. با مرور زمان خودبه‌خود یک عده حذف می‌شوند و عده دیگری اوج می‌گیرند.

من این سالانه‌ها و دوسالانه‌ها را خیلی خوب می‌بینم و از آدم‌هایی که برای چنین رویدادهایی سرمایه می‌گذارند بسیار تشکر می‌کنم. البته این کار برای خود آنها هم حیثیت و اعتبار می‌آورد، اما نمی‌توانیم بگوییم چون اعتبار کسب می‌کنند فقط نفع خودشان را در نظر می‌گیرند، بلکه نفع جامعه هم در آن هست و اینجا محلی است که کار جوانان دیده می‌شود. ممکن است فکر کنیم در داوری‌ها گاهی اشتباه می‌شود و مثلا کسی که سوم شده فکر می‌کند باید اول می‌شد، یا کسی که جایزه نگرفته انتظار داشته برگزیده شود. تمام این اتفاقات وجود دارد، اما نهایتا کسی که هنرمند است و کارش خوب است، ادامه خواهد داد و موفق می‌شود. این مسابقات جایی است که کار جوان‌ها دیده شود و این دیده‌شدن بسیار مهم است چون هنر به‌هرحال نیازمند یک سکو است. به خاطر ندارم در هیچ‌یک از داوری‌هایی که حضور داشتم حقی ناحق شده یا پارتی‌بازی صورت گرفته باشد. گاهی کسانی که برگزیده می‌شوند باور نمی‌کنند که برنده شده‌اند و حالی به آنها دست می‌دهد که از حال خوب آنها ما نیز حالمان خوب می‌شود.

اما برخی جوانان فکر می‌کنند بلافاصله بعد از ارائه کارشان باید شناخته شوند و آثارشان را بفروشند. صبر و تحمل آنها کم است و می‌خواهند فورا در مسابقه جایزه اول را بگیرند، با تمام این حرف‌ها تصور می‌کنم همه اینها یک ارزش است و یک ارتباط گروهی بین هنرمندان، منتقدان، داوران و کسانی که این جشنواره‌ها را به وجود می‌آورند، برقرار می‌کند.

این مسابقات می‌تواند شرایط مناسبی ایجاد کند که هنرمندان جوانی که در شهرستان هستند و ارتباط زیادی با جامعه هنری ندارند، در این مسابقات دیده شوند و در صورت داشتن آثار باکیفیت، گالری‌ها شروع به همکاری با آنها می‌کنند. مسئله دیگری که در اینجا اهمیت پیدا می‌کند این است که مانند بسیاری چیزهای دیگر، این مسابقات هم در تهران متمرکز است. باید آسیب‌شناسی شود و فکر کنیم که چطور شهرستان‌ها را پوشش دهیم و چه کارهایی می‌توان انجام داد. برای این مسئله باید برنامه‌ریزی شود که برگزارکنندگان مسابقات به مراکزی در شهرستان‌ها متصل شوند یا یک کیوریتور به آنجا برود و هنرمندان فعال را شناسایی کند. باید آثار آنها را نگاه و با آنها صحبت کنیم، به آنها امکان بدهیم که خودشان را معرفی کنند و راه‌حلی پیدا کنیم که چطور می‌توان شبکه را گسترش داد و شهرستان‌ها را وارد این داستان کرد. ممکن است برخی شهرستان‌ها گالری داشته باشند که از طریق آن گالری می‌توان عده‌ای را جمع کرد، اما در بعضی شهرستان‌ها گالری نیست و هیچ امکاناتی وجود ندارد، با وجود این، باید با هنرمندان آنجا به نوعی ارتباط برقرار کرد. تمام این مسائل سبب اتفاقات دیگری می‌شود که کمک می‌کند شرایط بهتر شود و تمام کشور درگیر رویدادهای هنری باشد. تصور می‌کنم داوری کاری بسیار پرمسئولیت است و اگر آدم نمی‌خواهد این مسئولیت را جدی بگیرد، بهتر است این کار را انجام ندهد، زیرا این کار جریان می‌سازد. در هر نمایشگاه بزرگ و جدی و هر مسابقه و جایزه‌ای یک مسئولیت بزرگ هست، وقتی با هم تصمیم می‌گیریم که یک نفر اول شود یک جریان می‌سازیم و عده زیادی به آن نگاه می‌کنند و الگو می‌گیرند، هرچند نباید این کار را بکنند. اگر ما راجع‌به نسل جوان حرف می‌زنیم به این دلیل است که این نسل خیلی تأثیرپذیرتر است و دوره‌هایی را تحت‌تأثیر نقاشان دیگر می‌گذراند. بعد از آن مدتی طول می‌کشد که خود را پیدا کند و کار خود را گسترش دهد. در این شرایط ممکن است وقتی در یک مسابقه اثری برگزیده می‌شود یا در حراج‌ها آثار هنری فروش می‌رود، عده‌ای فکر می‌کنند من هم می‌توانم این‌طور کار کنم. این اتفاق خطرناکی برای جوانان است که می‌تواند آینده هنری آنها را نابود کند. دیدن آثار هنرمندان جوان و شناخت دیدگاهشان برایم بسیار مهم است و به نظرم با این کار می‌توانید یک تجزیه و تحلیل روانی-جامعه‌شناسانه انجام دهید. همیشه فکر می‌کنم داوری مسئولیت خیلی بزرگی است زیرا اگر اشتباه کنم ممکن است سرنوشت یک آدم را تغییر دهد و در کل رقابت اثرگذار باشد. ما داوران از نظر کاری که می‌کنیم و از نظر عاطفی مسئول هستیم، بنابراین برایم کار مطبوع و پررنجی است.

جدول نمایش فیلم‌های جشنواره فجر در سینمای رسانه‌ها مشخص شد

گروه هنر: مراسم قرعه‌کشی جدول نمایش فیلم‌های سی‌وششمین جشنواره ملی فیلم فجر در سینمای رسانه‌ها، صبح روز گذشته، با حضور جمعی از اصحاب رسانه و سینماگران برگزار شد.

اجرای این مراسم را محمدحسین میثاقی برعهده داشت. ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر، در صحبت‌های کوتاهی گفت: «برای اولین‌بار است که برنامه‌ای برای تنظیم جدول نمایش آثار به صورت قرعه‌کشی وجود دارد و امیدواریم همه، شرایط برابر داشته باشند. تمام ۴۴ فیلمی که امکان حضور برایشان میسر نشد، فیلم‌های خوبی بودند و با رقابت تنگاتنگی از جشنواره بازماندند و امیدوارم در دیگر جشنواره‌ها به حق خود برسند. مهم‌ترین هدف همه فیلم‌سازان این است که با مخاطب خود در اکران‌های عمومی ارتباط برقرار کنند. امیدوارم همه دوستانم که آثارشان در جشنواره است، طبق آیین‌نامه، نسخه نهایی را ارسال کنند که شرمنده نشویم، در غیر این صورت از آثار رزروی استفاده می‌کنیم. امیدواریم جشنواره حال خوبی را برای همه ایجاد کند و سال سینمایی خوبی داشته باشیم».

طبق قرعه‌کشی انجام‌شده، جمعه، ۱۳ بهمن، ساعت ۱۴ فیلم سینمایی: «کامیون» به کارگردانی کامبوزیا پرتوی، جمعه، ۱۳ بهمن، ساعت ۱۷ فیلم سینمایی: «جاده قدیم» به کارگردانی منیژه حکمت، جمعه، ۱۳ بهمن، ساعت ۲۰ فیلم سینمایی: «فیلشاه» به کارگردانی هادی محمدیان، شنبه، ۱۴ بهمن، ساعت ۱۴ فیلم سینمایی: «شعله‌ور» به کارگردانی حمید نعمت‌الله، شنبه، ۱۴ بهمن، ساعت ۱۷ فیلم سینمایی: «بمب» به کارگردانی پیمان معادی، شنبه، ۱۴ بهمن، ساعت ۲۰ فیلم سینمایی: بسته فیلم‌های کوتاه، یکشنبه، ۱۵ بهمن، ساعت ۱۴ فیلم سینمایی: «چهارراه استانبول» به کارگردانی مصطفی کیایی، یکشنبه، ۱۵ بهمن، ساعت ۱۷ فیلم سینمایی: «بانو قدس ایران» به کارگردانی مصطفی رزاق‌کریمی، یکشنبه، ۱۵ بهمن، ساعت ۲۰ فیلم سینمایی: «لاتاری» به کارگردانی محمدحسین مهدویان، دوشنبه، ۱۶ بهمن، ساعت ۱۴ فیلم سینمایی: «امیر» به کارگردانی نیما اقلیما، دوشنبه، ۱۶ بهمن، ساعت ۱۷ فیلم سینمایی: «خجالت نکش» به کارگردانی رضا مقصودی، دوشنبه، ۱۶ بهمن، ساعت ۲۰ فیلم سینمایی: «به وقت شام» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا، سه‌شنبه، ۱۷ بهمن، ساعت ۱۴ فیلم سینمایی: «مغزهای کوچک زنگ‌زده» به کارگردانی هومن سیدی، سه‌شنبه، ۱۷ بهمن، ساعت ۱۷ فیلم سینمایی: «امپراطور جهنم» ساخته پرویز شیخ‌طادی، سه‌شنبه، ۱۷ بهمن، ساعت ۲۰ فیلم سینمایی: «عرق سرد» به کارگردانی سهیل بیرقی، چهارشنبه، ۱۸ بهمن، ساعت ۱۴ فیلم سینمایی: «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه‌آهنگر، چهارشنبه، ۱۸ بهمن، ساعت ۱۷ فیلم سینمایی: «تنگه ابوقریب» به کارگردانی بهرام توکلی، چهارشنبه، ۱۸ بهمن، ساعت ۲۰ فیلم سینمایی: «اتاق تاریک» به کارگردانی روح‌الله حجازی، پنجشنبه، ۱۹ بهمن، ساعت ۱۴ فیلم سینمایی: «جشن دلتنگی» به کارگردانی پوریا آذربایجانی، پنجشنبه، ۱۹ بهمن، ساعت ۱۷ فیلم سینمایی: «هایلایت» به کارگردانی اصغر نعیمی، پنجشنبه، ۱۹ بهمن، ساعت ۲۰ فیلم سینمایی: «ماهورا» به کارگردانی حمید زرگرنژاد، جمعه، ۲۰ بهمن، ساعت ۱۴ فیلم سینمایی: «مصادره» به کارگردانی مهران احمدی، جمعه، ۲۰ بهمن، ساعت ۱۷ فیلم سینمایی: «سوءتفاهم» به کارگردانی احمدرضا معتمدی، جمعه، ۲۰ بهمن، ساعت ۲۰ فیلم سینمایی: «دارکوب» به کارگردانی بهروز شعیبی، شنبه، ۲۱ بهمن، ساعت ۱۴ فیلم سینمایی: «کار کثیف» به کارگردانی خسرو معصومی و شنبه، ۲۱ بهمن، ساعت ۱۷ فیلم سینمایی: «زنانی با گوشواره‌های باروتی» به کارگردانی رضا فرهمند، نمایش داده خواهند شد. طبق جدول اعلام‌شده، نمایش فیلم‌های جشنواره فیلم فجر از جمعه، ۱۳ بهمن، ساعت ۱۴ در پردیس ملت آغاز می‌شود و شنبه، ۲۱ بهمن، ساعت ۱۷ آخرین سئانس نمایش فیلم خواهد بود. طبق این جدول، در هر روز سه سئانس، ساعت ۱۴، ۱۷ و ۲۰ به نمایش فیلم‌ها اختصاص یافته است.

در این مراسم اعلام شد محمود گبرلو مسئولیت برگزاری نشست‌های این دوره از جشنواره ملی فیلم فجر را برعهده دارد.

آگهی تغییرات شرکت مواد مهندسی کران ابر بسپار سهامی خاص به شماره ثبت ۲۰۴۱۴۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۵۸۳۳۸ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۹۵/۰۹/۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : به موضوع شرکت عبارت "خرید ، فروش ، توزیع ، تولید ، بسته بندی ، واردات و صادرات و خدمات پس از فروش کلیه کالاهای مجاز بازرگانی ،مشارکت و سرمایه گذاری در سایر شرکت ها،برپایی همایشها و سمینارها، اخذ واعطای نمایندگی شرکت های معتبر داخلی و خارجی اخذ وام و تسهیلات بانکی به صورت ارزی و ریالی از کلیه بانک ها و موسسات مالی و اعتباری داخلی و خارجی، افتتاح حساب های ارزی و ریالی،گشایش اعتبارات و ال سی ارزی و ریالی برای شرکت نزد بانک ها ، ترخیص کالا از کلیه گمرکات داخلی ایجاد شعب و نمایندگی در سراسر کشور برپایی غرفه و شرکت در کلیه نمایشگاههای معتبر داخلی و خارجی و بین المللی ، عقد قرارداد با کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی و شرکت در کلیه مناقصات و مزایدات و پیمانها اعم از دولتی وخصوصی و بین المللی در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم." الحاق گردید و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۸۰۰۰۰ سهم ۵۰۰۰۰ ریالی با نام از طریق مطالبات حال شده افزایش یافت وماده مربوطه دراساسنامه به شرح فوق اصلاح وذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضاء گردیده است.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۲۵۵۷۴)